

شهید ثانی زندگی، آثار و زمانه

نوشتۀ دون استوارت

www.ketab.ir

ترجمه محمد کاظم رحمتی
استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی



نگارستان اندیشه

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه: استوارد، دن / Steward, Dan
عنوان و نام پدیدآور: شهید ثانی: زندگی، آثار و زمانه/ نوشته دون استوارت ؛
ترجمه محمد کاظم رحمتی. تهران: نگارستان اندیشه ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۴۰۸ص. شابک: 0-81-6607-622-978
موضوع: شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۹۱۱ - ۹۶۵ق. حارثی، حسین بن
عبدالصمد، ۹۱۸-۹۸۴ق. شیخ بهائی، محمد بن حسین، ۹۵۳-۱۰۳۱ق. فقیهان
شیعه -- قرن ۱۰ق.

Silsilat Muallafat al-Shahid al-Thani, Sheykh Bahaei, Mohammad ibn
Hossein, Faqihs, Shiite -- 16th century.

شناسه افزوده: رحمتی، محمد کاظم، مترجم Rahmati, Muhammed Kazem

رده بندی کنگره: ۱۵۳/۵ BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۲۷۵۲

شهید ثانی: زندگی، آثار و زمانه

نوشته دون استوارت

ترجمه محمد کاظم رحمتی

استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی

ناشر: نگارستان اندیشه

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه آرا: مرتضی انصاف منش

نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نسیم

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۴۳۵۴۱۶

www.cins.ir - info@cins.ir

فهرست مطالب

۹ مقدمه
۱۱ اهمیت اسناد موجود در آرشیوهای عثمانی برای مطالعه تاریخ صفویه
۱۲ دشواری‌های تحلیل متن‌های ادبی و لایه‌های پنهان و میان‌سطور آنها
۱۶ انتحال و مفهوم آن نزد قدما
۲۱ تشکر و سپاسگزاری
۲۵ حسین بن عبدالصمد عاملی و سفر او از جبل عامل به عراق
۲۶ منابع اصلی شرح حال‌نگاری عالمان امامی عصر صفوی
۲۹ سفرنامه حسین بن عبدالصمد از جبل عامل به عراق
۳۰ زین‌الدین عاملی در مدرسه نوریه شهر بعلبک
۳۸ حسین بن عبدالصمد و گزارش سفر به عراق عرب
۳۹ شواهد مربوط به سفر حسین بن عبدالصمد به عراق
۴۰ مسیر سفر حسین بن عبدالصمد از بعلبک به عراق
۴۲ تاریخ سفر حسین بن عبدالصمد به عراق
۴۵ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی و رساله الرحله او
۵۲ سفر حسین بن عبدالصمد به ایران
۵۸ تاریخ سفر حسین بن عبدالصمد
۶۴ همسر حارثی
۶۵ دستورات زین‌الدین
۶۸ انگیزه‌های حسین بن عبدالصمد
۷۶ پیوست مترجم: نکاتی در باب خویشان حسین بن عبدالصمد ساکن در عراق
۷۸ سیادت صفویان و تذکری در باب آن
۸۰ الرحله حسین بن عبدالصمد و نکاتی دیگر در باب آن
۸۱ اقوام حسین بن عبدالصمد ساکن در عراق
۸۳ احیاء علوم‌الدین ابو‌حامد غزالی و کشف‌الراییه عن احکام‌الغیبیه زین‌الدین عاملی
۹۷ پیوست مترجم: دو نکته در باب کتاب احیاء غزالی

- ۹۸..... نکاتی دربارهٔ حیات عالمان امامی در قلمرو عثمانی
- ۱۱۱..... **نُور الحقیقه و نُور الحدیقه حسین بن عبدالصمد**
- ۱۱۶..... مسئله انتصاب حسین بن عبدالصمد و زین‌الدین توسط عثمانی‌ها
- ۱۱۹..... عمل به تقیه
- ۱۲۵..... خطبه کتاب **نُور الحدیقه و نُور الحدیقه**
- ۱۲۷..... پیوست مترجم: نکاتی در باب سفر شهید ثانی به قاهره
- ۱۲۹..... اطلاع دیگری از زمان اقامت شهید ثانی در قاهره
- ۱۳۰..... نسخهٔ کهن **الروضه الیهیه شهید ثانی** و اهمیت آن
- ۱۳۱..... دشواری‌های زندگی شیعیان ساکن در قلمرو عثمانی
- ۱۳۵..... نکاتی دربارهٔ کتاب **مُنیة المُرید فی أدب المفید و المستفید زین‌الدین عاملی**
- ۱۶۵..... **منیة المرید و زین‌الدین**
- ۱۷۳..... پیوست مترجم: مجادله‌ای میان سخاوی و سیوطی در باب انتحال
- ۱۷۵..... **شهید ثانی و مسئلهٔ شهادت او به دست مقامات عثمانی**
- ۱۷۹..... منابع تاریخی برای بررسی زندگی زین‌الدین عاملی
- ۱۸۳..... تاریخ شهادت زین‌الدین
- ۱۹۰..... گزارش نادرست دستگیری و شهادت زین‌الدین
- ۲۰۵..... سال‌های زندگی در خفای زین‌الدین
- ۲۱۰..... سفر زین‌الدین به مکه و دستگیری او در آنجا
- ۲۱۴..... گزارش‌های شاهدان عینی دستگیری زین‌الدین در مکه
- ۲۱۶..... گزارش شاهدی عینی از شهادت زین‌الدین
- ۲۲۴..... دلایل شهادت زین‌الدین
- ۲۳۱..... پیوست‌ها: گزارش لاهیجانی دربارهٔ شهادت شهید ثانی
- ۲۳۲..... گزارش عبدالاحد سیرجانی دربارهٔ شهادت شهید ثانی
- ۲۳۳..... گزارش قاضی نورالله شوشتری دربارهٔ شهادت شهید ثانی
- ۲۳۴..... شعری از شهید ثانی در ایام زندانی بودن در مکه
- ۲۳۵..... قاضی معروف شامی و نقش وی در قتل اعیان و بزرگان شیعی جبل‌العامل
- ۲۳۶..... نکاتی در باب شرح حال محمد بن علی جبائی
- ۲۴۱..... تقیه در عمل: سفرهای بهاء‌الدین عاملی در قلمرو عثمانی (۹۹۱-۹۹۳/۱۵۸۳-۱۵۸۵)
- ۲۶۵..... پیوست: اجازهٔ شیخ بهایی از محمد بن محمد مقدسی
- ۲۷۱..... عالمان عاملی و نقش آنها در مجادلات سیاسی - مذهبی صفویه با عثمانی
- ۲۷۲..... نامهٔ حسین بن عبدالصمد عاملی به سلطان سلیمان

۲۷۹.....	رسالة حرمة ذبائح اهل الكتاب بهاءالدين عاملی
۲۸۲.....	عبدالصمد بن حسين عاملی و فرستاده عثمانی
۲۸۴.....	پیوست: نامه حسین بن عبدالصمد به سلطان سلیمان قانونی به نیابت از شاه طهماسب
۲۸۹.....	توضیحاتی در باب نسخه اساس نامه اخیر
۲۹۱.....	نکاتی درباره جنبه‌های رفتاری تقیه در سنت امامیه بر پایه تحلیل اسناد اجازات*
۳۲۱.....	پیوست‌ها: تقیه دولتمردان شیعی در عصر عباسی
۳۲۳.....	اعیان شیعی ساکن شام و تقیه: خاندان بنو علوان
۳۲۵.....	شواهدی از تقیه در سنت فقهای امامی ساکن شام پیش از صفویه
۳۲۷.....	نکته‌ای درباره رساله نوشته شده شهید ثانی در موضوع علوم در استانبول
۳۲۸.....	نمونه‌ای دیگر از عمل به تقیه در سنت عالمان امامی
۳۳۱.....	مجادلاتی درباره نماز جمعه در روزگار شاه طهماسب صفوی
۳۷۴.....	پیوست مترجم: نماز جمعه در عصر نخست صفویه و تذکراتی در باب آن
	نمونه‌ای موردی از تقیه عالمی امامی در دمشق قرن دهم با ادعای پیروی از مذهب فقهی
۳۷۷.....	شافعی
۳۹۲.....	پیوست‌های مترجم: شواهدی دیگر در باب تقیه عالمان امامی شام
۳۹۵.....	کتاب‌شناسی

مقدمه

مجموعه مقالات حاضر ترجمه پاره‌ای از نوشته‌ها و تحقیقات دوست گرامی دون استوارت درباره شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد حارثی دو فقیه برجسته عصر صفویه است. دوستی و ارتباط نزدیک میان دو فقیه عاملی و درهم تنیدگی زندگی آن دو با یکدیگر باعث شده تا تحقیق درباره هر کدام بتواند پرتوی بر زندگی دیگری بیفکند و نکات مبهم از زندگی دیگری را روشن کند. کما اینکه بررسی و تحقیق درباره شاگردان این دو فقیه نیز سودمند است، جز آنکه متأسفانه درباره شاگردان هر دو فقیه تحقیق جامعی تاکنون صورت نگرفته و در کمال شگفتی گاه درباره افرادی که می‌دانیم شاگرد یکی از دو فقیه بوده‌اند، دانسته‌های ما در حد یک سطر یا چند سطر تجاوز نمی‌کند و گاه درباره برخی از آنها حتی نام و نشان آنها در کتاب‌های تراجم‌نگاری نیامده و برای شناخت آنها باید به سراغ شواهد موجود در نسخه‌های خطی کتابت شده توسط این افراد رفت که البته خوشبختانه از این طریق می‌توان نکات بیشتری در خصوص افراد مورد بحث یافت.

زین‌الدین بن علی مشهور به شهید ثانی (متوفی ۸ شعبان ۹۶۵) در قرن دهم در نسل بعد از محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) نامورترین فقیه شیعی است که آثار و میراث او از همان زمان حیاتش محل توجه و مراجعه بوده است. پژوهش و تحقیق درباره زندگی او و شناخت سنت‌های متداول در میان جوامع شیعه نشین در نیمه نخست قرن دهم که همزمان با قدرت‌گیری صفویه در ایران است، از دو جنبه اهمیت دارد؛ نخست تاریخ تشیع و صفویه در قرن دهم و دیگری تاریخ جوامع شیعه‌نشین در شام.

درباره ظهور صفویه و اعلان تشیع توسط شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۷-۹۳۰) واکنش‌هایی را در جوامع شیعی خارج از قلمرو صفویه خاصه جبل عامل و عراق عرب در پی داشته است. اگر تنها بخواهیم به منابع تاریخ‌نگاری عصر صفویه بسنده کنیم نمی‌دانیم به روشنی و صراحت درباره موضع و دیدگاه عالمان شیعی ساکن در جوامع مذکور در قبال قدرت‌گیری صفویان سخن بگویم هر چند همین منابع نیز خالی از اشارات و نکات سودمند نیستند. اما مشکل دشواری تحلیل و فهم این دسته از آثار می‌باشد. به نحو طبیعی نوشته‌های عالمان امامی خارج از قلمرو صفویه خاصه در نیم قرن نخست قدرت‌گیری صفویه خالی از اشارات صریح به صفویه است. دست‌کم این مطلب درباره تألیفات شهید ثانی صادق است و علی‌الظاهر اشاره روشنی در آثار مختلف شهید ثانی به صفویه موجود نیست جز برخی ایرادات از تمایلات

فلسفی عالمان عجم که در نگاشته‌های حتی تراجم نگاران سنی درباره‌ی عالمان مهاجر ایرانی سنی به شام نیز این مطلب به عنوان تمایلی بارز در میان عالمان ایرانی مورد اشاره قرار گرفته است. در چنین شرایطی چگونه می‌توان درباره‌ی نظر شهید ثانی در خصوص صفویه سخن گفت؟

در پاسخ به این پرسش عده‌ای از محققان عدم مهاجرت شهید ثانی به ایران علی‌رغم تهدیدهایی که جان او را نشانه رفته بود، دلیلی بر این مطلب گرفته‌اند که شهید ثانی نسبت به صفویه و تشیع مورد حمایت آنها موضعی سلبی داشته است؛ اما این ادعا صحیح نیست. نخست آنکه شهید ثانی به نحو غیرمستقیم و در چهارچوب ادبیات متعارف و متفاهم فقهی آن دوران از صفویه سخن گفته است. تحلیل محتوی رساله‌ی نماز جمعه‌ی شهید ثانی در چهارچوب ادبیات فقهی عالمان امامی عصر صفویه به وضوح نشانگر آن است که اثر اخیر را در صورت توجه به ماهیت منازعات درباره‌ی تحلیل عقیده به حرمت یا وجوب تعیینی فقیهان آن دوران اگر مورد توجه قرار گیرد، حاوی اشاراتی غیرمستقیم به صفویه است. تحلیل کلی شهید ثانی از گرایش عالمان امامی از عقیده به وجوب به تخییر و گاه حرمت در رساله این‌گونه است که تسلط حکام ظلم و کتار گذاشته شدن ائمه باعث شده تا عقیده به تخییر و حرمت میان امامیه رواج یابد؛ مسئله‌ای که اکنون در روزگار وی دیگر وجهی ندارد. اما چرا در روزگار شهید ثانی دیگر چنان تحلیلی در باب تخییر یا حرمت وجهی ندارد؟ پاسخ غیر مستقیم شهید ثانی این است که اکنون صفویه به عنوان دولتی حامی تشیع تشکیل شده و دیگر در بسیاری از بلاد الایمان می‌توان نماز جمعه را بی‌بیمی از چنان تحلیلی به‌جا آورد. تحلیل دقیق استوارت از این موضوع در مقاله‌ی مجدالاتی درباره‌ی نماز جمعه ضمن بحث از رساله‌ی نماز جمعه‌ی شهید ثانی در سنت فقهی نشانگر این است که اگر متن رساله‌ی شهید ثانی در بافت تاریخی خود به دقت مورد تحلیل قرار گیرد چگونه می‌توان جنبه‌های غیرمصرح آن را فهمید.

شکل دیگری برای یافتن دیدگاه شهید ثانی در رساله‌ی الرحلة حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی در خصوص مهاجرت وی از عراق به ایران است. در رساله‌ی اخیر شهید ثانی از صفویه و شاه طهماسب به صراحت بیشتری سخن گفته و زبان به تمجید آنها گشوده است؛ طبعاً مخاطب وی که شهید ثانی باشد به یاد داشته باشید که سفرنامه در واقع نامه‌ای شخصی بوده که حسین بن عبدالصمد آن را برای شهید ثانی فرستاده است. باید به احتمال زیاد همانند حسین بن عبدالصمد نوعی همدلی با صفویه داشته باشد. نکته‌ای که باعث شده تا مطالب مورد بحث از نگاه دیگر محققان بدور بماند، تحلیل و بررسی متون خارج از بافت تاریخی و سنت فقهی و ادبی آنها بوده است. تفصیل این مطلب را در بررسی رساله‌ی الرحلة حسین بن عبدالصمد در گزارش سفر او از عراق به ایران را می‌توان دید.

اهمیت اسناد موجود در آرشیوهای عثمانی برای مطالعه تاریخ صفویه

در خصوص اسناد و مدارکی که توجه به آنها می‌تواند پرتوی تازه بر مسائل مورد بحث بیفکند، باید نخست به آرشیوهای مختلف عثمانی اشاره کرده که مشتمل بر اسناد و مدارک فراوانی ناظر به شیعیان ساکن در قلمرو گسترده عثمانی از یکسو و از طرف دیگر تاریخ صفویه هستند که مراجعه به آنها لازم و ضروری است و خوشبختانه بخشی از آنها مربوط به سرزمین‌های عربی اکنون در هفت جلد به کوشش فاضل بیات در کتابی با عنوان *البلاد العربیة فی وثائق العثمانیة* منتشر شده است. اسناد و مدارک آمده در کتاب اخیر مشتمل بر نکات فراوانی در خصوص شیعیان خاصه در بحرین قدیم، شام و حرمین شریفین و نحوه تعامل عثمانی‌ها با آنها می‌باشد و نشان می‌دهد که چگونه عثمانی با حساسیت فراوان رفت و آمد شیعیان از قلمرو صفویه به قلمرو خود را تحت نظر داشته است.^۱

متأسفانه هنوز آن‌گونه که لازم است اسناد و آرشیوهای عثمانی برای بررسی تاریخ تشیع در قرن دهم مورد بررسی قرار نگرفته هر چند کارها و مطالعات قابل تأملی نیز انجام شده است. ژان لویی بکه گرامون در تکنگاری مهم خود صفویه در نگاه عثمانی، بررسی قابل تأملی در خصوص گزارش‌های خفیه‌نویسان عثمانی درباره صفویه آورده و در مقالات متعددی از اهمیت اسناد آرشیو عثمانی برای بررسی تاریخ صفویه و عثمانی سخن گفته است.^۲

زکریا کورشون و محمد موسی القرینی در کتاب *سواحل نجد «الاحساء» فی الأرشیف العثمانی «جبل شمر - القصیم - الریاض - القطیف - الکویت - البحرین - قطر - مسقط»* (بیروت: الدار العربیة للموسوعات، ۲۰۰۵/۱۴۲۶) به بررسی اسناد مهمه دفتر لری پرداخته و گزارشی از آنها ارائه کرده‌اند که برای بررسی تاریخ تشیع در بحرین قدیم در قرن دهم هجری که عثمانی توانست بر بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از بحرین قدیم، یعنی احساء و قطیف تسلط یابد، اهمیت فراوانی دارد.

همچنین اکنون بر اساس اطلاعات پراکنده اما موجود در نسخه‌های خطی دانسته است که عالمان بحرین قدیم یعنی احساء؛ قطیف و جزیره اوال از همان پنجاه سال نخست قدرت‌گیری صفویه و تقریباً در دو دهه ابتدایی سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) به ایران سفر کرده و در آنجا سکنی گزیده‌اند. برخی از این افراد بعد از مدتی که برای تحصیل فقه شیعه به ایران آمده بودند، بار دیگر به زادگاهشان بازگشته و برخی دیگر در ایران ماندگار شده و عهده‌دار برخی مناصب رسمی در حکومت صفویه شده‌اند جز اینکه این مطلب از نظرها به دور مانده است.

تراجم‌نگاران متأخر شیعی در عصر صفویه یعنی شیخ حر عاملی و ملا عبدالله افندی دسترسی چندانی

۱. تشرف شیعیان در عصر صفویه به حج و عتبات دو مسئله‌ای است که در سراسر دوران صفویه با دشواری‌های بسیاری مواجهه بوده است.

2. See: Jean-Louis Bacqué-Grammont, *Les Ottomans, les Safavides. et leurs Voisins* (Istanbul: Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut, 1987).

به اطلاعات این دسته از عالمان بحرین قدیم نداشتند و اطلاعات مربوط به آنها در کتاب‌های امل الامل و ریاض العلماء از قلم افتاده است. مورخان عصر صفویه خاصه مورخان چون روملو، قاضی احمد قمی و اسکندر بیگ منشی در بخش متوفیان که در آخر حوادث هر سال از آن سخن گفته‌اند، اشاراتی به عالمان و یا اعیان و اشراف داشته‌اند اما توجه اصلی آنها به عالمان بسیار برجسته مرتبط با دربار بوده و در خصوص عالمان رده‌های دیگر که از قضا نقش مهم ارتباط میان رده‌های بالای جامعه مذهبی با عوام را بر عهده داشته‌اند، بسیار کم سخن گفته‌اند.

بخش مهمی از اطلاعات مربوط به این افراد را شیخ آقابزرگ طهرانی در کتاب *طبقات اعلام الشیعه: احیاء الدائر من مآثر من فی القرن العاشر گردآوری کرده* اما پژوهشگران تاریخ تشیع چندان توجهی به آن در مباحث خود نکرده‌اند. اما اکنون اطلاعات مربوط به این دسته عالمان و حتی گاه تصریحات آنها در خصوص صفویه مورد توجه قرار گرفته و این قلم بخشی از این اطلاعات را گردآوری کرده است. بنابراین اکنون لازم است تا در مشارکت جوامع شیعه‌نشین خارج از قلمرو صفویه در گسترش تشیع در ایران تجدید نظر کرد.

در خصوص تحقیق شرح احوال عالمان نسخه‌های خطی آثار آنها خاصه اگر به عنوان متن‌های درسی در سنت مدرسی محل تأمل و توجه بوده‌اند، اهمیت فراوانی دارد و در صفحه عنوان، انجامه این دسته آثار می‌توان اطلاعاتی درباره مؤلف یا شاگردان آنها بافت خاصه اگر کاتب نسخه کتاب مورد بحث را نزد خود مؤلفان آنها یا شاگردان بلافضل آنها خوانده باشد. از این جهت آثار و تالیفات مختلف شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد حارثی ارزش فراوانی دارند.

همچنین در موارد متعددی، مراجعه به نسخه‌های خطی آثار متعدد شهید ثانی و یا نسخه‌هایی که او در جریان آموزش‌های مدرسی خود همراه با شاگردانش تصحیح کرده، برای فهم مساهمت و نقش وی در فعالیت‌های علمی روزگارش اهمیت بسیاری دارد. از این مطلب در دو مقاله به نحو مشخص درباره روایت دو کتاب مهم کافی و تهذیب الاحکام به نحو مستقل سخن رفته و در خصوص برخی آثار دیگر نیز به تفاریق در ضمن مباحث نکاتی آمده است.

دشواری‌های تحلیل متن‌های ادبی و لایه‌های پنهان و میان سطور آنها

با این حال چگونگی تحلیل منابع و اطلاعات آمده در آنها که بخش مهمی از اختلافات در بررسی‌های منتشر شده اخیر به آن باز می‌گردد، ناشی از این مسئله است که میراث مذکور گاه بیرون از سنت‌های علمی و اجتماعی شیعیان مورد بررسی قرار گرفته است. دشواری و شکل ادبی برخی از منابع که به دلیل عدم امکان تصریح مطالب خود را به ادبیات و گونه‌ای متفاهم خواننده نوشته‌اند، منابع مهمی برای فهم آنها بوده است. همچنین بی‌توجهی به سنت‌های متداول عملی و عرفی که عالمان شیعه در آن بالیده‌اند،

مشکل دیگری محققان بوده است و ابراز نتایج و نظرات مختلف دربارهٔ مثلا رویکرد عالمان امامی به اعلان تشیع از سوی صفویه، نزدیکی و پیوستن به دربار صفویه، وضعیت زندگی شیعیان در قلمرو عثمانی ناشی از همین مسائل مورد اشاره است. البته در مواردی که اسنادی در خصوص فشار و سختگیری بر شیعیان نیز ارائه شده، پژوهشگران دستهٔ اخیر اصرار بر کم اهمیت داشتن چنین شواهدی نموده و یا آنها را در خصوص قزلباش‌ها دانسته و قائل به نوعی تمایز میان شیعیان امامی و قزلباشان شده‌اند. در پس چنین تحلیلی باز نوع تفسیر منابع مشکل و مسئلهٔ اصلی است که عموماً ناشی از بی توجهی به سنت‌های رفتاری عالمان امامی در تعامل با اهل سنت و مسئلهٔ انتصاب زین‌الدین عاملی به سمت تدریس مدرسهٔ نوریه است. در حالی که بدیهی است زین‌الدین سمت مذکور را به عنوان عالمی شافعی اخذ کرده به دلیل عدم تصریح منابع به چنین مطلبی، برخی پژوهشگران انتصاب مذکور را دلیلی بر تمیز نهادن میان شیعیان امامی و قزلباشان از سوی عثمانی دانسته‌اند.^۱

به عنوان مثال مهاجرت فقیهان شیعی از خارج قلمرو صفویه به ایران و یا عدم مهاجرت به ایران از سوی محققان، مبنای برای بررسی نوع تلقی و رویکرد آنها به صفویه دانسته شده است اما مشکل این جاست که مسئلهٔ مهاجرت یا عدم مهاجرت و یا اساساً چرا مهاجرت رخ می‌دهد، جملگی مسائلی هستند که تنها بخشی از موضوع را نشان می‌دهند. در ابتدا باید تصریح نمود که نزدیکی یا عدم نزدیکی عالمان امامی به دربار صفویه بدون آنکه فی‌نفسه به مسئلهٔ پذیرش تشیع صفویه مرتبط باشد، بیشتر نمایانگر گرایش در سنت اسلامی در عدم نزدیکی به قدرت و ناپسند داشتن آن بوده است که اختصاصی نیز به تشیع ندارد.

در سنت اسلامی دوری از دربار سلاطین مسئلهٔ مورد تأکید بوده و همواره به عنوان موضوعی مورد تأکید بوده است. ابوسعید سمعانی به نقل از ابویعقوب یوسف همدانی (متوفی ۵۳۵) نقل کرده که او را به دو مطلب توصیه کرده بود، نخستین آنها دوری از سلاطین بوده است (لا تدخل علی السلاطین).^۲ با این حال محققان صفویه مهاجرت یا عدم مهاجرت فقیهان امامی به ایران را مبنای برای پذیرش یا عدم پذیرش صفویه از سوی آنها تلقی کرده‌اند.

اهمیت توجه به ماهیت ادبی منابع که به دلیل شرایط سیاسی اجتماعی خاصی که در آن نوشته

۱. برای شواهدی از سختگیری عثمانی بر شیعیان امامی عراق خاصه در برگزاری مراسم عاشورا در ادوار نخست حکومت صفویه یا داشتن کتاب و آثار شیعی بنگرید به: احمد رفیق، «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/ شانزدهم: حاوی اسناد مربوط به شیعیان و بکتاشیان محفوظ در خزینه اوراق ترکیه»، ترجمه و توضیح توفیق سبحانی، معارف، شماره ۱، دورهٔ دهم، فروردین - تیر ۱۳۷۲ش، ص ۶۲-۱۱۶؛

Fariba Zarinebaf-Shahr, "Qizilbash Heresy and Rebellion in Ottoman Anatolia during the Sixteenth Century," *Anatolia Moderna* (Fall, 1997), pp. 1-15.

۲. بنگرید به: ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۰، ص ۶۸.

شده‌اند و اجتناب عالمان امامی عاملی مهاجر به ایران در سخن گفتن از صفویه در آثار تألیف شده توسط خود در قلمرو عثمانی و یا تألیفاتی که برای دوستان ساکن خود در قلمرو عثمانی نوشته‌اند، به تفصیل در مقاله حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی و رساله الرحلة او مورد بحث قرار گرفته است.

حسین بن عبدالصمد عاملی بعد از آنکه جبل عامل را ترک نمود، با استادش شهید ثانی از طریق نامه در ارتباط بود و تاکنون متن سه نامه از نامه‌هایی که میان او و شهید ثانی رد و بدل شده است، بدست آمده است. نخست نامه‌ای که در آن وی ما وقع حوادث رخ داده در جریان سفرش از بعلبک به کربلا را پس از ایام التشریق ذی الحجة ۹۵۵ شرح داده و عنوان الرحلة العراقية دارد (مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۶۷۲، برگ‌های ۳۳۱-۳۴۰)^۱ و دیگری نامه‌ای است که کوتاه و ظاهراً مسوده‌ای که حسین بن عبدالصمد بعد از دریافت نسخه‌ای از کتاب تمهید القواعد شهید ثانی برای او نوشته است (مجموعه ۷۳۵۵ کتابخانه آیت الله مرعشی، برگ ۳۸)^۲ و سرانجام شرح حال تفصیلی سفرش از عراق به ایران در اواخر ۹۶۰ و آغاز ۹۶۱. نام‌های اخیر روشنگر نکات مهمی از زندگی حسین بن عبدالصمد و روابط او با شهید ثانی است.

دو سفرنامه‌ای که از در اختیار ما قرار دارد، در قالب نامه‌هایی هستند که حسین بن عبدالصمد برای استادش شهید ثانی نوشته و او را از حوادثی که برای او رخ داده به صورتی ادبی و با بهره‌گیری از انواع اشکال صور بلاغی مطلع کرده است. هر دو سفرنامه حاوی نکات مهمی در خصوص مواضع این عالم برجسته عاملی در خصوص صفویه است. هر دو سفرنامه، هر چند به ظاهر فاقد اشاره‌ای به صفویه هستند است اما تحلیل ادبی و بررسی دقیق آن به صراحت نشانگر آن است که عالمان عاملی از حکومت صفویه حمایت کرده و اعلان تشیع را فرصتی به دست آمده برای ترویج تشیع دانسته‌اند.

دو متن اخیر مشتمل بر نکات مهم و سودمندی است که می‌تواند بر برخی مسائل مورد بحث از زندگی شهید ثانی به نحو خاص و عالمان امامی ساکن در قلمرو عثمانی به نحو عام را توضیح دهد و بر نکات مبهم مورد بحث و جدل میان محققان را پرتوی تازه بیفکند. دون استوارت در دو مقاله مفصل از این دو نامه/ سفرنامه حسین بن عبدالصمد به تفصیل بحث کرده است. سفرنامه دوم یعنی گزارش سفر از

۱. مجموعه ۱۶۷۲ کتابخانه مجلس توسط احمد بن حسین اصفهانی (زنده در ۱۰۴۰) از شاگردان سید حسین بن حیدر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) کتابت شده است. مجموعه اخیر در فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی بسیار کوتاه و نارسا معرفی شده است. توجه به نسخه اخیر و اهمیت آن را وامدار تذکر دوست گرمای آقای سید محمد حسین حکیم هستیم. متن الرحلة العراقية با عنوان نادرست تمتة الرحلة العراقية توسط یوسف طباجه در مجله کتاب شیعه، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش، ص ۴۷-۵۹ منتشر شده است. همچنین اشکالاتی در قرائت برخی عبارت‌های متن و نام‌های خاص جغرافیایی در متن موجود است که استوارت در تحقیقی در خصوص سفرنامه اخیر به آنها اشاره کرده است.

۲. برای متن نامه بنگرید به: رضا مختاری، «نامه‌ای از پدر شیخ بهایی خطاب به شهید ثانی»، نسخه پژوهی، دفتر سوم، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی (تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵ش)، ص ۶۲۵-۶۲۶.

عراق به ایران در ۹۶۱ نخستین متن از دو سفرنامه بود که متن آن یافت شد^۱ و اندکی بعد سفر نامه نخست یعنی گزارش سفر از بعلبک به عراق، استوارت از سفرنامه دوم در مقاله‌ای با عنوان «میان پرده‌ای از مهاجرت عاملی‌ها به ایران: گزارش سفر حسین بن عبدالصمد» و از سفرنامه نخست در جستاری با عنوان «سفر حسین بن عبدالصمد از لبنان به عراق» بحث کرده است.^۲ متن هر دو سفرنامه فاقد تاریخ است و در نسخه‌های یافت شده از آنها نیز فاقد انجم‌های است که در آن تاریخ تألیف ذکر شده باشد. بنابراین باید با تحلیل متن و اشارات تاریخی در آن بتوان تاریخ نگارش آنها را مشخص کرد.

به عنوان مثال الرحلة العراقية نشانگر آن است که بعد از ترک بعلبک توسط شهید ثانی، حسین بن عبدالصمد همچنان در آنجا بوده و البته اندکی بعد در ایام التشریق ذی الحجة ۹۵۵ بعلبک را به قصد اقامت در کربلا ترک کرده است. وی ابتدا و تا زمانی که شهید ثانی نیز در بعلبک بوده یعنی احتمالاً جمادی‌الثانی ۹۵۵ هنوز تصمیم به سفر به عراق و اقامت در آنجا نگرفته است. او پس از آنکه شهید ثانی به جبع بازگشته اندکی بعد تصمیم به رفتن به عراق می‌گیرد، تصمیمی که با مخالفت برخی دوستانش روبرو می‌شود و خود در سفرنامه به آن اشاره کرده است (و رفضنا لوم اللائین فی التریق).

با این حال حسین بن عبدالصمد تصمیم به رفتن به عراق می‌گیرد و حدود چهار سال در کربلا سکونت داشته و در آنجا پس از آنکه جانبش از سوی یکی از افراد نزدیک به او مورد تهدید قرار می‌گیرد، تصمیم به مهاجرت به ایران می‌گیرد. به واقع همانگونه که در سراسر این مقالات این کتاب می‌توان دید، بررسی زندگی حسین بن عبدالصمد عاملی می‌تواند به روشن شدن برخی نکات زندگی شهید ثانی نیز منتهی شود و از همین رو در نوشتار حاضر مقالاتی در خصوص زندگی حسین بن عبدالصمد گنجانده شده است.

نامه سوم کوتاه حسین بن عبدالصمد به شهید ثانی که بسیار مختصر است (مذکور در مجموعه ۷۳۵۵ کتابخانه آیت الله مرعشی، برگ ۳۸)، از جهاتی چند اهمیت دارد. متن بدست آمده احتمالاً مسوده است و اطلاعاتی از این نداریم که آیا متن نامه برای شهید ثانی ارسال شده یا خیر هر چند محتمل تر آن است که گمان کنیم نامه بدست شهید ثانی رسیده است. نامه اخیر از چند جهت اهمیت دارد. نخست نشانگر تداوم روابط و نامه‌نگاری میان شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد است و ظاهراً نامه نگاری میان آن دو تا

۱. این سفرنامه دو بار تصحیح شده است؛ حسین بن عبدالصمد العاملی، «الرحلة»، تحقیق اسعد الطیب که در ضمن کتاب بهاء‌الدین العاملی، العروة الوثقی، تحقیق محمد رضا نعمتی (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش/۱۴۲۲)، در این چاپ بنابر ملاحظاتی مطالبی از سفرنامه حذف شده که در تحقیق طباحه به طور کامل آمده است؛ «رسالة الشيخ حسین بن عبدالصمد العاملی والد البهائی إلى أستاذة الشهيد الثانی (مخطوطة)»، تحقیق و دراسته یوسف طباحه، المنهاج، شماره ۲۹، ۲۰۰۳، ص ۱۵۲-۱۹۵.

2. Devin J. Stewart, "Husayn b. 'Abd al-Şamad al-'Āmili's Flight from Lebanon to Iraq," *Shii Studies Review* 3 (2019), pp.59-106.

ترجمه تلخیص شده‌ای از این مقاله در ضمن مجموعه مقالات حاضر آمده است.